خبرها

احتمال حضور رهبر کره شمالی در چین

ایسنا: رسانه‌های کره جنوبی از سفر احتمالی رهبر کره شمالی به چین خبر دادند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، روزنامه دانگ ای دیلی، چاپ کره جنوبی به نقل از مقامات دولتی کره جنوبی اعلام کرد که یک قطار ویژه که احتمالاً کیم جونگ ایل رهبر کره شمالی را به کشور چین می‌برد، در مرز این کشور دیده شده است. براساس اطلاعات محرمانه قطار ویژه‌ای عازم چین بوده است. این مقام رسمی اظهار داشت: با وجود این دولت چین سفر رهبر کره شمالی به این کشور را تایید نکرده است. این در حالی است که مقامات دولتی کره شمالی اعلام کردند که هیچ اطلاعاتی درباره این قطار ویژه و سفر کیم جونگ ایل به چین ندارند.

هشدار درمورد پیامد جنگ با تروریسم

فارس: سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد «جنگ با تروریسم» منجر به بروز شیوه‌های جدیدی از حذف مخالفان در کشورهای جنوب آسیا شده است. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس سازمان عفو بین‌الملل طی گزارشی اعلام کرد برخی کشورهای آسیایی از «جنگ با تروریسم» برای سرکوب و از میان برداشتن مظنونان به صورت پنهانی و بدون دلیل موجه سوءاستفاده می‌کنند. در این گزارش به موارد متعددی از این دست اشاره شده است از جمله پاکستان که به ادعای این گزارش، صدها نفر از شهروندانش را به نام مبارزه با تروریسم سرکوب کرده و در حال گسترش آن برای بازداشت سایر مخالفان دولت است. در این گزارش آمده تعدادی از این زندانیان به مقامات آمریکایی تحویل داده شده و از زندان گوانتانامو سر درآورده‌اند و تعدادی هنوز مفقودالاثرند. براساس این گزارش، عدم اعتراض به این سرکوب‌ها باعث شده مقامات پاکستانی به سرکوب و بازداشت‌های بیشتر ادامه دهند.

مخالفت سومالی با اعزام نیروهای بین‌المللی

ایسنا: وزیر دفاع جدید سومالی با اعلام مخالفت نسبت به استقرار نیروهای حافظ صلح اتحادیه آفریقا در سومالی گفت: اعزام نیروهای بیگانه به سومالی منجر به ایجاد مشکلات بیشتری در درگیری‌های موجود خواهد شد. به نوشته روزنامه الشرق الاوسط سرهنگ بری هیرالی وزیر دفاع جدید سومالی که مدت دو هفته از تعیین وی به این سمت می‌گذرد، در اولین گفت‌وگوهایش با رادیو محلی سومالی بیان داشت: طرف‌های درگیر در سومالی می‌توانند با دور کردن عوامل خارجی با یکدیگر تفاهم داشته باشند. همچنین معتقدیم که مذاکره باید در چارچوب یک اصول سنتی باشد تا بتوان به حل اختلافات داخلی پرداخت. وی درباره طرح استقرار نیروهای حافظ صلح اتحادیه آفریقا گفت: بهتر است پول‌هایی که به نیروهای بیگانه داده می‌شود، برای آموزش ارتش و نیروهای پلیس سومالی خرج شود، چرا که نیروهای سومالی قادرند به تنهایی از کشورشان دفاع کنند. وزیر دفاع سومالی در ادامه از آمادگی‌اش برای میانجیگری میان دولت انتقالی سومالی و اتحادیه دادگاه‌های اسلامی در صورت شکست مذاکرات خارطوم میان طرفین درگیر خبر داد.

کاهش نیروهای نیوزیلند در تی‌مور شرقی

ایرنا: وزیر دفاع نیوزیلند با انتشار بیانیه‌ای تاکید کرد که شمار نیروهای این کشور در تی‌مور شرقی کاهش خواهد یافت. در بیانیه «فیل گاف» آمده است: وضعیت امنیتی تی‌مور شرقی در حال بهبود است و این ما را قادر می‌کند تا بخشی از نیروهایمان را از این کشور خارج کنیم. در این بیانیه اعلام شده است که بیش از ۱۶۰ نفر از نیروهای نیوزیلندی برای حمایت از پلیس تی‌مور در این کشور باقی خواهد ماند. هنگام تشدید تنش‌ها در تی‌مور شرقی نیوزیلند ۲۱۵ نظامی و ۲۵ نیروی پلیس را به آن کشور اعزام کرد که زیر نظر فرماندهی استرالیا در آن کشور فعالیت می‌کنند. نیوزیلند پیشتر از انتقال فرماندهی این نیروها از استرالیا به سازمان ملل متحد حمایت کرده بود.

قتل دو افغان به اتهام جاسوسی برای دولت

بی بی سی: اجساد دو شهروند افغان در پاکستان یافته شده است که افراد ناشناس آنان را به همکاری با دولت مرکزی افغانستان متهم کرده و گردن زده‌اند. پلیس پاکستان اعلام داشته است که اجساد دو مرد پناهنده افغان را در منطقه وزیرستان، در نزدیکی مرز با افغانستان، همراه با یادداشتی یافته است که براساس آن، این دو نفر به دلیل «جاسوسی برای دولت افغانستان» کشته شده‌اند. مسببین گردن زدن این دو مرد اجساد آنان را در دو نقطه جداگانه در نزدیکی میرانشاه شهر اصلی منطقه وزیرستان شمالی رها کرده بودند.

بازداشت مشاور سابق کرزی

بی بی سی: دادستانی کل (لوی سارنوالی) افغانستان حکم بازداشت محمد صدیق چکری مشاور سابق حامد کرزی را صادر کرده است. عبدالجبار ثابت دادستان کل افغانستان در یک کنفرانس خبری در کابل اعلام کرد که حکم بازداشت محمد صدیق چکری را به دلیل آنچه او «تهدید و اهانت به قضات» خواند، صادر کرده است. ثابت می‌گوید اخیراً چکری بدون اجازه به یک جلسه قضایی در کابل وارد شد که قضات مشغول بررسی ادعاهایی مبنی بر غصب زمین توسط او بودند. دادستان کل افغانستان افزود آقای چکری در این جلسه به قضات بی‌حرمتی کرده و آنها را مورد تهدید قرار داده است.

هند در صحنه جهانی مستقر می‌شود

موضوع «استثنا و مورد خاص» بودن دهلی نو

سی. راجا موهان*
ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

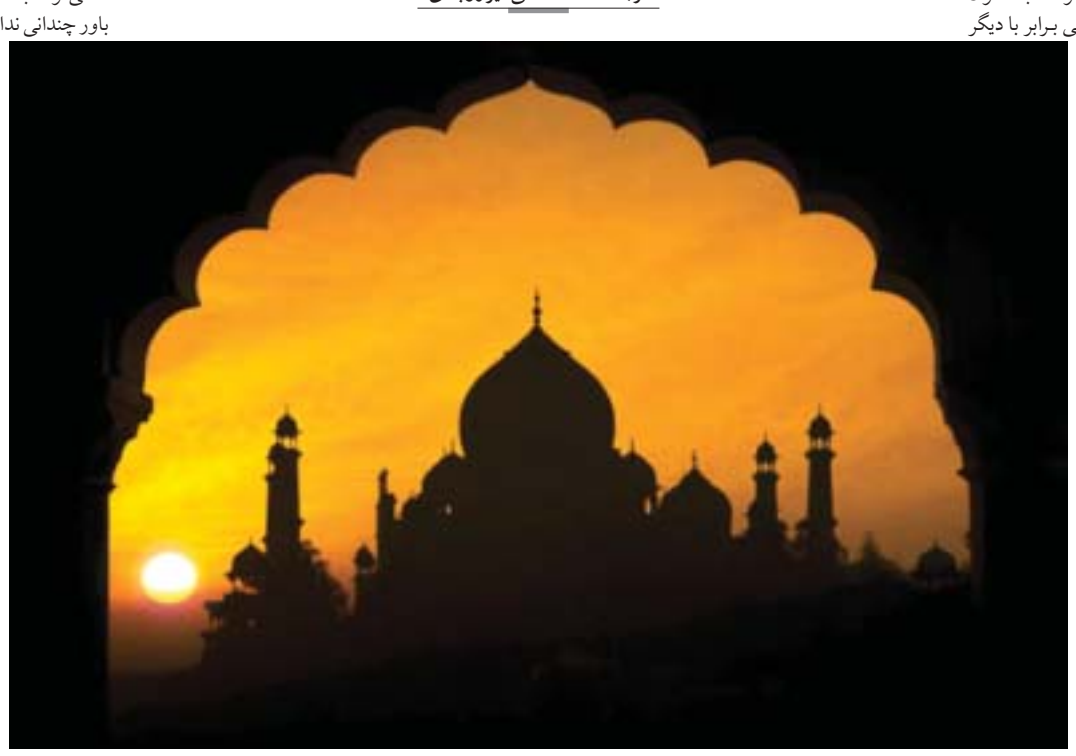

شبه قاره هند در تلاش برای ورود به باشگاه قدرت‌های بزرگ جهان است و می خواهد به عنوان شریکی با غرب مطرح شود که از حقوقی برابر با دیگر قدرت‌ها برخوردار است. دهلی کاملاً آگاهانه در راه رشد و توسعه سیاسی و اقتصادی گام برداشت و پیمان اتمی با آمریکا در واقع زمینه‌سازی برای ورود به جرگه قدرتمندان جهان به شمار می‌آید. اما این کشور هرگز به اندازه انگلستان و ژاپن وابسته به ایالات متحده نخواهد شد. پس از چندین دهه یاس و ناامیدی، هندوستان در راه تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ گام برمی‌دارد. این صعود و ترقی شگفت‌انگیز برای اولین بار در جولای ۲۰۰۵ و با آن امضایی که «جورج دبلیو بوش» بر پای آن پیمان‌نامه اتمی گذاشت، از سوی جهان به رسمیت شناخته شد. با این حال این رویداد تنها یکی از نشانه‌های واقعیت‌های موجود در این مورد بود. سیاست خارجی هندوستان پس از پایان عصر جنگ سرد تغییر و تحولاتی دراماتیک را تجربه کرده است. این کشور در طول بیش از پنجاه سال به دلیل وجود بیراهه‌ها و نبود امکانات واقعی رنج و عذاب زیادی را متحمل شد و حال دهلی نو برآن است تا در عرصه به اصطلاح قدرت‌های متوازن جهانی تبدیل به کنشگری تاثیرگذار و پراهمیت شود. سال‌ها است که بحث‌های جامع و کاملی در مورد رشد اقتصادی هند انجام می‌گیرد اما چندان توجهی به سیاست خارجی نوین این کشور نمی‌شود. البته سیاستمداران هند- برخلاف همکاران آمریکایی‌شان - چندان در پی بزرگنمایی این طرح‌ها و راهکارهای نوین سیاسی خود نیستند اما به همان نسبت تلاش خستگی‌ناپذیری را برای تدوین این طرح‌ها به خرج می‌دهند. دهلی‌نو در پی رسیدن به نوعی همزیستی و تعامل با همسایگان بلاواسطه‌اش یعنی چین و پاکستان است، همسایگانی که به عنوان دو رقیب هند در منطقه هم به شمار می‌آیند. در عین حال هندوستان تلاش دارد تا موقعیت خود را در مناطقی که از نظر مکانی چندان از آن دور نیست (یعنی بخشی از آفریقا، خلیج فارس، آسیای جنوب شرقی و مرکزی و منطقه اقیانوس هند) گسترش دهد. و از طرف دیگر درصدد است تا روابط خود را با قدرت‌های بزرگ جهان به ویژه ایالات متحده آمریکا عمیق‌تر و مستحکم‌تر کند. هندوستان اولین دموکراسی بزرگی است که خارج از جغرافیای غرب پا به صحنه جهانی می‌گذارد، دموکراسی‌ای با اقتصادی قوی و فرهنگی زنده که اقوام و مذاهب گوناگون و متعددی را در خود جای داده است. هندوستان با این رشد و ترقی از این پتانسیل برخوردار می‌شود که در آینده و در مناقشات سیاسی دهه‌های بعدی نقشی کلیدی ایفا کند و به عضوی مهم و تاثیرگذار در به اصطلاح عرصه غرب سیاسی تبدیل شود. محقق شدن این امر و سرعت این تحقق بیش از هر چیز بستگی به آمادگی مهمترین کشورهای غربی دارد تا هند را - با توجه به شرایطش - در جمع خود پذیرا شوند. این سیاست هندی در واقع دنیا را به سه دایره متحدالمرکز تقسیم می‌کند. در اولین دایره که همسایگان مستقیم هند را نیز در بر می‌گیرد، هند درصدد دستیابی به قدرت برتر است و از حق وتو در مقابل هرگونه تعرض نیروهای خارج از این دایره برخوردار است. در دایره دوم که همسایگان دورتر را در بر می‌گیرد یعنی از آسیا تا مناطق ساحلی اقیانوس هند امتداد دارد. این کشور در جهت نفوذ در دیگر دولت‌ها برای ایجاد یک توازن است تا بدین صورت از نادیده گرفتن منافع هند توسط آنها جلوگیری به عمل آید. در دایره سوم که همان صحنه جهانی سیاست است، هند به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ جهان حضور دارد و در راستای برقراری صلح و امنیت جهانی تلاش می‌کند. در گذشته‌های نه چندان دور، کشور هندوستان بیش از هر چیز به دلیل سه عامل مشخص در رسیدن به این اهداف سیاسی با مانع روبه‌رو بود. اولین عامل جدایی پاکستان از هند در سال ۱۹۴۷ و سپس تجزیه پاکستان و پیدایش کشوری جدید به نام بنگلادش در سال ۱۹۷۱ بود. این جدایی‌ها منجر به آن شد تا مناقشه‌ای دائمی میان هند و پاکستان آغاز شود و همزمان با این مسئله، تنش‌های داخلی میان هندوها و مسلمانان در هند افزایش یافت. علاوه بر آن متحدان تاریخی هند مثل افغانستان و ایران و کشورهای جنوب آسیا نیز از این کشور فاصله گرفتند. به ویژه تاسیس جمهوری اسلامی پاکستان تبدیل به مشکل و مانعی بزرگ برای فعالیت‌های هند در خاورمیانه شد. تنش‌های پیش گفته رقابت‌هایی جدید را در منطقه موجب شد و وضعیت به جایی رسید که فضای سیاسی هند در هر سه دایره به شدت محدود باقی ماند. اولین عامل بازدارنده بزرگ در واقع همان سیستم سوسیالیستی هند بود، سیستمی که موجب رکود پایدار اقتصادی و شکست تلاش‌های این کشور در جهت کسب نفوذ سیاسی در سال‌های پس از استقلال شد. سوسیالیسم دولتی هند این کشور را از نظر اقتصادی از دیگر کشورهای جهان دور کرد. این سیستم، هندوستان را از ارتباط با بازارهای طبیعی خود و همین طور از رابطه با مناطقی در قلمرو پهناور خود که از نظر فرهنگی به آنها وابسته بود، باز داشت. سومین عامل همان جنگ سرد بود، جنگ سردی که کوتاه‌زمانی پس از استقلال هند شروع شد و این کشور را به نوعی در آغوش شوروی سابق انداخت که البته دلیل عمده آن پشتیبانی‌های ایالات متحده از پاکستان و حتی از چین بود و بدین صورت هندوستان در جناح بازنده رقابت‌های بزرگ سیاسی قرار گرفت، رقابت‌ها و مناقشه‌هایی که در نیمه دوم قرن بیستم کاملاً بارز و آشکار بود. اگر چه که هند بزرگترین دموکراسی جهان بود اما در اکثر مسائل مناقشه‌برانگیز در موضع و جایگاهی اشتباه قرارگرفت. و بدین صورت بود که در ده سال آخر قرن بیستم تلاش این کشور برای رهایی از دو قید و بند بزرگ آغاز گشت: آن سوسیالیسم دولتی به وسیله یک آزادسازی اقتصادی کنار گذاشته شد و جهانی‌سازی فرصتی برای نمود یافت. جنگ سرد به پایان رسیده بود و به همین خاطر دهلی نو توانست سیاست خارجی خود را از نو تعریف کرده و به خصوص تعریفی جدید از مناسبات خود با چین قدرتمند شده و همین طور دیگر همسایگان و قدرت‌های بزرگ غربی ارائه دهد. این تغییرات و دگرگونی‌ها تأثیراتی دراماتیک بر نقش هند در سراسر منطقه داشت. دیگر کشورهای این شبه قاره نیز آن نسخه‌های کهنه شده سوسیالیستی را کنار گذاشتند به طوری که امروز مانع زیادی در راه همکاری‌های اقتصادی وجود ندارد. با وجود آنکه روند این همکاری نسبتاً کند و آرام است اما اراده در جهت این مسئله هر روز افزایش می‌یابد. در همین تابستان برای اولین بار قرارداد تجارت آزاد آسیای جنوبی به اجرا در می‌آید. و بدین ترتیب می‌توان در انتظار همزیستی دوباره میان قدرت‌های شبه قاره هند بود، قدرت‌هایی که قبل از سال ۱۹۴۷ دارای یک قلمرو اقتصادی منسجم بودند. اما با نیم‌نگاهی به تحولات همسایگان کوچک هندوستان تا اندازه‌ای از این خوش‌بینی بزرگ در مورد مسائل اقتصادی کاسته می‌شود. جنگ و مبارزه برای به دست آوردن دموکراسی و عدالت اجتماعی بیشتر در نپال، خشونت سیاسی بی‌پایان و افزایش بنیادگرایی اسلامی در بنگلادش و آن جنگ داخلی پر التهاب و فرساینده در سریلانکا نشان‌دهنده خطراتی هستند که چه بسا از جانب دولت‌ها و کشورهای شکست خورده تولید شوند. آینده پاکستان و افغانستان هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد: مبارزه‌ای که در این کشورها علیه بنیادگرایی مذهبی در جریان است، اهمیتی فوق‌العاده برای هند دارد زیرا بدین ترتیب پاکستان و افغانستان به کشورهایی مدرن و میانه‌رو تبدیل می‌شوند. با این حال دهلی نو به این دلیل و با توجه به همگرایی جدید منافع آمریکا و هند (در رابطه با گسترش ساختار حکومتی دموکراتیک و جنگ و مبارزه علیه بنیادگرایی و تروریسم) دیگر از این مسئله که آمریکا زمانی می‌خواست نفوذ سیاسی هندوستان در منطقه را تخریب کند، هراسی ندارد. و به همین خاطر می‌توان گفت که در این میان هند از همه شرایط لازم برای همکاری با ایالات متحده برخوردار است. در حال حاضر عوامل بیرونی برای حل مناقشه هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر تا به این اندازه سودمند و مفید نبوده است. این مناقشه حداقل در ارتباط با مناسبات با قدرت‌های بزرگ، از اهمیتش کاسته می‌شود. دهلی نو با آگاهی کامل از این واقعیت که عادی‌سازی روابط با پاکستان در نهایت به این مناقشه طاقت‌فرسا پایان دهد و همزمان موجب تقویت موقعیت سیاسی و منطقه‌ای هند شود، برای اولین بار پس از چندین دهه با جدیتی خاص وارد مذاکره و گفت‌وگو شده است. اگر چه که پاکستان از سرعت و روند این گفت‌وگوها راضی نیست اما هر دو طرف در مورد اقدامات اعتمادسازانه توافق نظر دارند. «مان موهان سینگ» نخست‌وزیر هند پیشنهاد واگذاری بخشی از قلمرو کشورش در کشمیر را رد کرده اما در عین حال راه‌حل‌هایی ابتکاری در جهت بهینه‌سازی شرایط زندگی و تاسیس نهادهای مشترک را ارائه داده است، نهادهایی که می‌توانند کشمیر را با مناطق آن سوی خط مرزی پیوند دهند. تلاش‌های هند برای پایان دادن به مناقشات مرزی قدیمی با چین نیز به همان صورت جسورانه بود. دولت هند در سال ۲۰۰۳ تصمیم گرفت که با پکن به توافقی سیاسی دست یابد و بدین صورت آن دعاوی تاریخی و قضایی ترجیحاً کنار گذاشته شود. و در آوریل ۲۰۰۵ بود که هر دو دولت طی دیدار «ون جیابائو» نخست‌وزیر چین از دهلی، در اصول در این مورد به توافقاتی رسیدند. در حال حاضر نیز مقامات دو کشور بر روی مصالحه‌ای مرزی کار می‌کنند که بتواند خواسته‌های دو طرف را تامین کند. مذاکرات در مورد کشمیر و مسائل مرزی با چین نشان‌دهنده این است که هند عاقبت آمادگی غلبه بر آن به اصطلاح اتکای وسواسانه و متعصبانه بر قلمرو خود را پیدا کرده است. این اتکای متعصبانه از زمان استقلال این کشور موجب مسائل بسیاری شد و جالب آنکه همین ویژگی به حل مسئله تسلیحات اتمی هند و پاکستان در سال۱۹۹۸ کمک کرد. اگر چه تسلیحات اتمی هند تنش‌ها در روابط این کشور با اسلام‌آباد و پکن را افزایش داد اما دولت هندوستان به درجه‌ای از اعتماد به نفس و پراگماتیسم رسیده بود که در مورد قلمرو ارضی خود دیگر پیشاپیش دست به واکنش‌های احساسی نزند. اگر در ارتباط با حل این مسائل و مشکلات قدیمی پیشرفتی صورت گیرد، بی‌تردید انرژی‌های دیپلماتیک و سیاسی زیادی آزاد خواهد شد و هند خواهد توانست نقش بزرگتری در عرصه سیاست جهانی ایفا کند. علاوه بر آن، اتمام ماموریت نظامی پایان‌ناپذیر برای دفاع از کشور نیز در دستور کار قرار می‌گیرد و بدین صورت ارتش هند می‌تواند در جهت تضمین صلح و ثبات در گرداگرد اقیانوس آرام، دست به اقداماتی بزند. البته ناگفته نماند که تا به امروز هم نیروهای مسلح هند، پاکستان و بنگلادش با وجود تنش‌های بی‌شمار موجود در شبه قاره، مشارکت زیادی در انجام ماموریت‌های صلح‌طلبانه سازمان ملل نشان داده‌اند. عادی‌سازی روابط هند و پاکستان موجب آزاد شدن توانایی‌های دو ارتش از بهترین و مجهزترین ارتش‌های جهان می‌شود، ارتش‌هایی که می‌توانند در خاورمیانه، آفریقا و آسیا سودمند باشند. و اما رابطه هند و اروپا: از آنجایی که دهلی‌نو نسبت به نقش اروپا در عرصه سیاست جهانی باور چندانی نداشت رابطه میان هند و اروپا محدود بود. در هندوستان این احساس وجود داشت که اروپا و هند آنگاه که پای سیاست آمریکا در میان باشد، واکنش‌هایی کاملاً متفاوت و متضاد نشان می‌دهند یعنی در همان حال که اروپا نسبت به آمریکا به شدت خشمگین می‌شد، هند درصدد بر می‌آمد تا نقش مالوف خود را به عنوان اولین و تندترین منتقد ایالات متحده کنار بگذارد. با وجود همه این تضادها اما روابط اقتصادی و سیاسی هند و اروپا روندی فزاینده دارد. بسیاری از کشورهای کوچک اروپایی از دادوستدها و روابط اتمی هند و اروپا ناخشنودند اما در همان حال دو قدرت اتمی اروپا یعنی فرانسه و بریتانیا در این مورد همکاری نشان دادند. در پایان جنگ سرد چشم‌انداز خوب و نزدیکی برای روابط خوب سیاسی میان آمریکا و هند متصور نبود. در آن زمان از ظواهر امر این طور برداشت می‌شد که ایالات متحده آمریکا گزینه‌های چین و پاکستان را انتخاب کرده است اما هندوستان از همان دوران شروع به تبلیغات مثبت به سود ایالات متحده کرد و از سال ۱۹۹۱ به بعد این کار را به طور ثابت ادامه داد. دولت هند امید داشت تا به وسیله رابطه با آمریکا بتواند روابطی نوین و بهتر با دیگر دولت‌های قدرتمند برقرار کند. اما باید گفت که هند در این مورد دچار کمی اشتباه در محاسبه شد: اصولاً داشتن روابط خوب همزمان با همه دولت‌ها احتمالاً نمی‌تواند در بلندمدت کارساز باشد. تنش‌ها در روابط آمریکا و چین بالا می‌گیرد و واشینگتن به دنبال راه‌کارهایی است تا مانع از گسترده شدن نفوذ پکن شود. به همین خاطر پرسش‌هایی در مورد رفتار هندوستان مطرح می‌شود: آیا هند می‌تواند «غیرمتعهد» باقی بماند و رفتاری خنثی‌گونه در ارتباط با ایالات متحده و چین نشان دهد و یا سیاست هند گرایشی آشکار به آمریکا نشان می‌دهد. آن پیمان اتمی که بوش و سینگ در جولای ۲۰۰۵ آن را علنی کرده و به هنگام دیدار رئیس‌جمهور آمریکا از دهلی در مارس ۲۰۰۶ بر آن صحه گذاشتند، وسیله‌ای است که واشینگتن به کمک آن در پی گسترش حوزه نفوذ خود است. بوش پیشنهاد داد تا برخی قوانین تغییر نکرده ایالات متحده (البته به شرط موافقت کنگره) تغییر یابد تا بتوان همکاری کامل با هندوستان در زمینه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را تسهیل کرد. دهلی‌نو هم به نوبه خود قول داد تا برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خود را از برنامه‌های نظامی جدا کرده و آن را تحت نظارت بین‌المللی قرار دهد و نسبت به تعهدات تغییرناپذیر خود وفادار بماند. انگیزه‌های هند برای تحول و دگرگونی کاملاً محسوس و مشخص است اما بوش چندان توجهی به جنبه‌های اتمی هم‌پیمانی با هند ندارد. موضوع مهم و اصلی برای رئیس‌جمهور آمریکا پایه‌گذاری یک اتحاد و پیمان سیاسی میان هند و ایالات متحده است و در نظر دارد هندوستان را تبدیل به متحدی کند که از هر نظر رعایت حال آمریکا را می‌کند. اما جالب آنکه این واقعیت به تازگی خود را نشان داد که اصولاً یک همکاری برخوردار از اعتماد کامل میان این دو کشور امکان‌پذیر نیست. علت این مسئله هم نه فقط به خاطر مسائل اتمی مورد مناقشه بلکه بیشتر به این خاطر است که بوش اصولاً نسبت به لزوم و ضرورت دادوستدهای اتمی با هند به باور نرسیده بود و نرسیده است.

منبع: مرکور

***سردبیر روزنامه «The Indian Express» و مشاور شورای امنیت ملی هند که به‌تازگی کتابی به‌نام «هند اتمی، ایالات متحده، و نظم جهانی» اتحادی غیرممکن را منتشر کرده است.**

بخش اول

خلاصه مقاله

۱- هندوستان اولین دموکراسی بزرگی است که خارج از جغرافیای غرب پا به صحنه جهانی می‌گذارد، دموکراسی‌ای با اقتصادی قوی و فرهنگی زنده.

۲- انگیزه‌های هند برای تحول و دگرگونی کاملاً محسوس و مشخص است اما بوش چندان توجهی به جنبه‌های اتمی هم‌پیمانی با هند ندارد.

۳- هند عاقبت آمادگی غلبه بر آن به اصطلاح اتکای وسواسانه و متعصبانه بر قلمرو خود را پیدا کرده است.

۴- نیروهای مسلح هند، پاکستان و بنگلادش موجود در شبه قاره، مشارکت زیادی در انجام ماموریت‌های سازمان ملل نشان داده‌اند.

گزارش

اپوزیسیون وفادار به دولت روسیه تشکیل شد

گروه بین‌الملل: حزب قدرتمند «روسیه متحد» اخیراً با مخالفان جدی و جدیدی مواجه شده است. رهبران سه حزب کوچک روسی یعنی حزب سرزمین مادری، حزب زندگی و حزب بازنشستگان اعلام کرده‌اند که از این پس به صورت مشترک به موضع‌گیری خواهند پرداخت و عملاً حزب جدیدی را تاسیس خواهند کرد. این تصمیم آنها پس از برگزاری نشست مشترک میان رهبران این سه حزب با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه گرفته شده است. همکاری مشترک این سه حزب و اعلام موجودیت حزب جدید، نشانه جدیدی از عدم تمایل کرملین به پلورالیسم سیاسی و رقابت دموکراتیک در داخل روسیه را به معرض نمایش گذاشته است. در همین راستا از زمان به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ میلادی، دولت وی اقدامات کنترلی جدیدی را در مورد رسانه‌های خبری و سازمان‌های مختلف روسی مورد توجه قرار داده است. حزب روسیه متحد که اکثریت مجلس فدرال را به خود اختصاص داده است و موقعیت مشابهی درخصوص برخی بخش‌های دولتی روسیه نیز دارد اکنون در مقابل حزب جدیدی قرارگرفته که ۳۰ کرسی در مجلس روسیه خواهد داشت و قصد دارد به بزرگ‌ترین گروه اپوزیسیون روسیه تبدیل شود و در عین حال به رئیس‌جمهور وفادار بماند. در همین راستا «سرگئی میرونوف» رهبر حزب زندگی روسیه و سخنگوی مجلس علیای روسیه گفت: «مشخص نیست که اپوزیسیون سیاسی در کشور ما چه معنایی دارد. از همین حالا باید تاکید کنم که ما فعالیت‌های رئیس‌جمهور کشورمان را تایید می‌کنیم، اما معتقد نیستیم که تنها یک حزب سیاسی باید در کشور فعال باشد. به نظر ما نباید حق انحصاری اجرای برنامه‌های ریاست‌جمهوری روسیه فقط در اختیار یک حزب یا گروه سیاسی قرار گیرد.» کرملین امیدوار است که حزب جدید که نامش هنوز اعلام نشده است، به ایجاد زمینه شکل‌گیری نظام دوحزبی در روسیه کمک کند. در چنین شرایطی حزب روسیه متحد می‌تواند حزب آلترناتیو جدیدی را در کنار خود ببیند و حزب جدید نیز می‌تواند در عین وفادار ماندن به دولت روسیه، بخشی از آرای مردم را در انتخابات آینده این کشور به خود اختصاص دهد. رهبران حزب جدید و تازه شکل‌گرفته نیز بلافاصله پس از اعلام ادغام سه حزب قبلی، یک بیانیه مشترک صادر کردند و در آن از هدف خود برای «دفاع از حقوق طبقه کارگر» سخن به میان آوردند. از زمان سقوط شوروی سابق، روسیه چندین حزب اپوزیسیون ساختگی را تجربه کرده است که برای ایجاد فضای ظاهری رقابت سیاسی در روسیه مورد توجه قرار گرفته بودند و به همین جهت منتقدان شکل‌گیری حزب جدید معتقدند این حزب نیز تنها قادر به تکرار فعالیت‌های احزاب قبلی خواهد بود. رهبر حزب کمونیست روسیه در همین راستا گفت: «حزب جدید هم رویکردی چپ‌گرایانه خواهد داشت.» حزب کمونیست روسیه که بزرگ‌ترین گروه اپوزیسیون در مجلس روسیه است اعلام کرده که «دست حزب جدید را رو خواهد کرد.» هنوز مشخص نیست که این گروه می‌تواند پایگاه مردمی خوب در روسیه بیابد یا خیر. اما گفته می‌شود این حزب می‌تواند با جلب حمایت کرملین به آن حمایت مالی و رسانه‌ای که تاکنون به علت سلطه‌گری حزب روسیه متحد از سایر احزاب روسیه دریغ شده بود دست یابد. «الکساندر چوئف» یک عضو حزب سرزمین مادری در مجلس روسیه در همین خصوص گفت: «حمایت رئیس‌جمهور از حزب جدید، نشانه‌ای از موفقیت این حزب است.» حزب جدید روسیه اکنون در نظر دارد که در انتخابات سال ۲۰۰۷ میلادی حزب روسیه متحد را به چالش بکشد و موقعیت خوبی در مجلس آینده روسیه به خود اختصاص دهد. اما یکی از مشاوران ولادیمیر پوتین در امور احزاب سیاسی هشدار داده است که محدودیت‌هایی برای فعالیت یک حزب «اپوزیسیون وفادار به دولت» وجود دارد. ناظران معتقدند که این حزب جدید نیز مجبور خواهد شد از فردی که ولادیمیر پوتین به عنوان جانشین احتمالی خود در انتخابات سال ۲۰۰۸ میلادی معرفی خواهد کرد حمایت کند اما منتقدان حزب جدید می‌گویند بسیار غیرمنطقی است که دو حزب به اصطلاح مخالف مبارزات انتخاباتی خود را همسو کنند.